

کارگران ایران، متشکل شوید!

امسال نیز در ایران خانواده‌های کارگر عید جهانی خود را در وضعیت شاق اقتصادی جشن میگیرند. در یکسال فاصله میان دو عید جهانی کارگران تعطیل کارخانجات و بیکارسازی‌ها در ایران همچنان برقرار بود. صدها هزار جوان جویای کار نیز به صف انبوه کارگران بیکار پیوستند. تهدید بیکار شدن همچنین کارگران شاغل را نیز در چنگال بیم و امید دائمی میفشرد. تعویق پرداخت دستمزدها همچنان رواج داشت، و میزان واقعی دستمزدها با توجه به تورم دائما کاهش یافت. نه اینکه طبقه کارگر ایران در قبال این فشارها سرفروذ آورده باشد و بی اعتراض پذیراشان شده باشد: هزاران ساعت اعتصابات کارگران دیوار سانسور و خودسانسوری در مطبوعات را شکست، جاده‌ها را بستند، به خیابانها ریختند، و فشار تجمع اعتراضی‌شان در جلوی مجلس لرزه بر اندام سردمداران و بر ارکان رژیم انداخت. اما ثمری نگرفتند. چرا؟ چون کارگران ایران تشکل ندارند.

در فاصله دو اول مه، رژیم اسلامی کارفرمایان کارگاههای قالببافی را نیز، مانند کارفرماهای کارگاههای پنج نفره و کمتر، از رعایت قانون کار خود رژیم معاف کرد. در فاصله دو اول مه، نمایندگان سازمان جهانی کار (آی.ال.او) نیز به یاری رژیم اسلامی و سرمایه‌داران ایران آمدند و "نظارت کردند" تا برای اولین بار خانه کارگر از جانب کارگران ایران پیمان دستجمعی امضا کند. در فاصله دو اول مه، در خیمه‌شعبازی تعیین حداقل دستمزد، شورای عالی کار و خانه کارگر دستمزدهای واقعی کارگران را کاهش دادند. در مقابل این زورگویی‌های آشکار کاری از دست کارگران بر نیامد. چرا؟ چون تشکل ندارند.

در سال گذشته تحولات در عرصه سیاسی ایران در جهت منافع طبقات و جریاناتی پیش رفت که اهرمهای قدرت اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی را در اختیار دارند. طبقه کارگری که قادر به گرفتن ابتدائی‌ترین خواسته‌های حیاتی اقتصادی‌اش نبود، چگونه میتوانست بر صحنه سیاست تاثیر بگذارد و تحولات سیاسی ایران را در جهت منافع خود شکل دهد؟ آری، تا زمانی که کارگران تشکل نداشته باشند وضعیت همین است.

واقعیت اینست که طبقه کارگر ایران، علیرغم همه تلاشها و مبارزاتش، در مقایسه با طبقه کارگر سایر کشورها از لحاظ تشکل در انتهای جدول قرار دارد؛ و نه فقط در مقایسه با طبقه کارگر کشورهای اروپائی، بلکه در مقایسه با کشورهای منطقه نیز چنین است. این وضع قابل ادامه نیست، و همه زنان و مردان کارگر در ایران باید از این همه مشقت و زورگویی، از این همه مبارزه کم نتیجه و بی نتیجه، این درس را آموخته باشند که بدون تشکل مبارزات آنها به جایی نمیرسد.

حتی دشمنان طبقه کارگر میدانند که اکنون طبقه کارگر ایران هیچ راهی ندارد جز اینکه در نخستین گام تشکلهای صنفی خود را ایجاد کند. بهمین دلیل است که خانه کارگر، که میبیند دیگر قادر به سرکوب خواسته‌های کارگران و مهار حرکات کارگری نیست، امروز خود اعتراف میکند که ضروری است کارگران تشکلهای واقعی داشته باشند و از حق اعتصاب برخوردار باشند. بهمین دلیل است که حزب اسلامی رفاه کار که عامل ارتجاعی مستقیم جناحی از رژیم است امروز دم از آزادی تشکل و اعتصاب میزند. آری، ایجاد تشکل صنفی کارگری در ایران امروز یک جبر زمانه است. بهمین دلیل است که حکومت اسلامی سرمایه و تشکلهای سراسری کارفرمایان تمام سعی شان را میکنند تا اگر تلاشهای کارگران ایران قرار است به تشکلی منجر شود، آن نوعی از تشکل را ایجاد کنند که خود داوطلبانه رعایت حال سرمایه‌داران را بکند. سخنگویان رژیم اسلامی و سرمایه‌داران ایران اگر گاهی دم از حق اعتصاب به تصمیم تشکلهای کارگری میزنند معنایش اینست که نخست نقشه حقه کردن چنین تشکل سازشکار با سرمایه را برای ما در سر دارند. به این منظور از مدتها پیش دست به دامان سازمان جهانی کار (آی.ال.او) هم شده اند تا آماده ایفای نقش دلال سازش بین چنین تشکلهای کارگری با نمایندگان دولت و کارفرمایان باشد. چگونه بخود اجازه میدهند چنین نقشه‌هایی برای کارگران در سر داشته باشند؟ زیرا کارگران ایران خودشان تشکل هایشان را نساخته‌اند.

کارگران ایران!

امروز ما باید تشکلهای صنفی خودمان را برپا کنیم، امروز ما میتوانیم تشکلهای صنفی خود را تنها با تکیه بر نیروی خودمان برپا کنیم. تظاهرات معلمان و اعتراضات خیابانی کارگران نشان داد که خواسته‌های اقتصادی کارگران امروز از چنان مقبولیت و حقانیتی در جامعه برخوردار است که حتی کارفرمایان و حکومتیان بیشم هم جرات انکار حقانیت و سرکوب آنرا ندارند.

زنان و مردان کارگر!

در سالروز اول مه، در این عید جهانی کارگران، عزم خود را جزم کنیم تا سالی را که آغاز میشود بدل به سال برپائی یک جنبش وسیع طبقاتی برای ایجاد تشکلهای صنفی خود کنیم.

کارگران ایران، متشکل شوید!

اتحاد سوسیالیستی کارگری